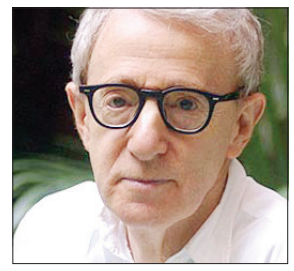

بازگشت وودی آلن به لس‌آنجلس

گروه ادب و هنر | بعد از سال‌ها وودی آلن می‌خواهد در لس‌آنجلس و نیویورک فیلم بسازد و خودش را آماده می‌کند تا این فیلم را جلوی دوربین ببرد. آلن لیست بازیگران فیلمش را منتشر کرده است. در این لیست نام جینی برلین دختر الین می و کاندیدای جایزه اسکار بهترین نقش مکمل زن برای بازی در فیلم «کودک دل شکسته» دیده می‌شود و در کنار او هم جسی آیزنبرگ، بلیک لاولی، پارکر پوزی، کریستن استوارت، کوری استول، کن اسکات و بوروس ویلیس به‌عنوان بازیگران اصلی این فیلم حضور دارند. وودی آلن از سال ۱۹۷۷ و پس از فیلم «آنی هال» هیچ فیلمی در لس‌آنجلس نساخته است.

ستاره‌باز

نویسندگان به «سال درخت» چند ستاره می‌دهند؟

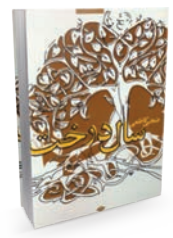

گروه ادب و هنر | رمان «سال درخت» چهارمین اثر داستانی ضحی کاظمی است که از سوی نشر نگاه منتشر شده و مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفته است. در ستون ستاره‌بازان، نویسندگان به این رمان ستاره داده و درباره آن کوتاه نوشته‌اند.

4 ★★★★☆

الهام فلاح: «سال درخت» ضحی کاظمی بهترین اثر داستانی او است که به نوعی با انتخاب موضوع جدید و پرداخت صحیح آن توانسته است تا حدود زیادی طرحی نو بیافریند. سوژه بکر داستان مساله‌ای دو سویه است از لحاظ پرداختن به تمام زوایای کاراکتری با سندروم داون و علم استرولوژی و به باور عام، علم جادو. دغدغه اصلی کتاب بیان تثبیت نفرین و جادو به مثابه یک میراث جاودانه و تقلا برای رهایی از آن است. تنها به دلیل آوردن برخی نکات و صحنه‌هایی که با نوع روایت آنها، نویسنده موکدا به اعتقاد خود بر مسائلی از قسم جادو و ذکر و امثالهم مهر تایید می‌زند و باور خویش را به خواننده می‌خوراند به «سال درخت» چهار ستاره می‌دهم.

3 ★★★☆☆

میلاد ظریف: «سال درخت» روایت‌زوال است که بیان روایت و چگونگی این زوال به‌وسیله یک روح از نوک شجره درختی شروع می‌شود تا به انتها که به خود راوی می‌رسد. تمام سعی رمان ترسیم وضعیت آغازین این زوال به واسطه رویدادهای اصلی و فرعی به وضعیت نهایی (یا همان وضعیت محتوم زوال) رمان است تا ساختار کنشی‌ای در خودش ایجاد کند که حاصل درآمیختگی اوضاع، رویدادها و کنش‌های متفاوت در ساحت چند شاخه این درخت باشد و ریشه در انگیزه‌ها و اهداف شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان داشته باشد که منجر به زوال خانواده می‌شود؛ اما این درآمیختگی و رسیدن به روایت محتوم در حجم بیشتر کتاب حاصل یک پروسه ارگانیک نیست. این نقص به زعم من تصویر یکجانبه و محتومی است که از علم و نظام ماوراءالطبیعه؛ آن هم از طریق یک راوی دوم شخص (روح) به ساحت رمان وارد و مانعی شده برای ایجاد یک رمان چندصدایی در یک بستر و روایت غیرمحتوم.

3.5 ★★★½☆

سعید شریفی: «آنکه می‌رود سردرگم است، آنکه می‌ماند عقب‌مانده است.» احتمالا می‌توان گفت این جمله هسته اصلی رمان است. «سال درخت» سرگذشت جغرافیایی است که گمشده‌اش «نجات» است. نویسنده گذشته را روی دایره می‌ریزد و نشان می‌دهد همه‌جا و به همه‌جور راهی از «نجات» به‌گونه‌ای شگفت و جادویی حرف می‌زنند و تصویر و قصه به‌هم می‌بافند و راهش را نشان می‌دهند و همه راه‌های «نجات» هم البته به «آسمان» ختم می‌شود؛ اما به‌طرزی مضحک و کاریکاتوروار، عوض «نجات»، «نجاست» نصیب همه شده و مصیبت پشت مصیبت سرشان آوار می‌شود. به این رمان به‌خاطر خلق این «وارونگی» و ساخت مقبره‌ای بزرگ و پُرجبروت که یک «تهی» را درمیان گرفته است، سه ستاره‌ونیم می‌دهم.

3.5 ★★★½☆

مرجان جامی: «سال درخت» رمان خوش‌خوانی است با راوی اول شخص و مخاطبان خاموش. استفاده از راوی شگفت مرده، ترکیب زمان‌های حال، گذشته و آینده و شروع جذاب رمان با شرحی از ذهنیات برادری معلول از نقاط برجسته رمان هستند. در قسمت‌هایی که رمان به زمان حال روایت می‌شود، به دلیل اطلاعات کافی و شخصیت‌پردازی قوی پویا و پریسا داستان خواندنی است. اما بخش‌هایی که به گذشته خاندان راوی پرداخته به دلیل تعهد شخصیت‌ها، لحن گزارشی و شتاب‌زدگی در شرح ماجراها، نویسنده فرصت کافی برای شخصیت‌پردازی پیدا نکرده و داستان ملال‌آور شده است. همچنین داستان در محتوا دارای نگاهی ایدئولوژیکی است.

4 ★★★★☆

ویدا رهبر: رمان «سال درخت» حکایت ۳۳ نفر از افرادی است که نام‌شان در شجره نامه خانوادگی ذکر شده است. کسی که قصه هر کدام از این ۳۳ نفر را روایت می‌کند «راوی مرده» است. انتخاب راوی شگفت برای روایت این داستان –که از اتفاقات ریز و درشت گذشته و حتی آینده همه این افراد با خبر است و حوادث را چنان بازگو می‌کند که گاه مخاطب با روحیات مختلف شخصیت‌ها روبه‌رو می‌شود؛ روحیاتی که گاه به جنون کشیده می‌شود و اشاره به برخی باورهای خرافی و فضای ماوراءالطبیعه و واکنش کاراکترها به آن– انگیزه خواننده را در خوانش بیشتر می‌کند؛ خواننده‌ای که حدس و گمانش نمی‌تواند جلوتر از مولف حرکت کند. گنجاندن این نسل‌ها کنار هم باعث شده روایت‌ها و خرده‌روایت‌های متعددی ساخته شود و خواننده شاهد کودکی و سالخوردگی، عشق و مرگ، بیماری و تصادف، سحر و جادو و... باشد. همسان‌سازی بین شاخه‌های درخت در نمود بیرونی و افراد رفته و مانده در خانواده تبلور شروع و پایان هر زندگی‌ای است که ما هم به‌عنوان خواننده با آنها درگیر می‌شویم. این بهترین و داستانی‌ترین اثر خانم ضحی کاظمی است و خوانش آن را به دوستداران داستان توصیه می‌کنم. از این جهت به این کتاب چهار ستاره می‌دهم.

تئاتر

اصلانی با احمدی شوخی کرد

گروه ادب و هنر | زنگ افتتاح نمایش «پیرونی برای دیکتاتور» به کارگردانی خسرو احمدی توسط فرهاد اصلانی نواخته و اجراهای عمومی این نمایش در سالن استاد ناظرزاده کرمانی مجموعه «ایرانشهر» آغاز شد. در این مراسم که شامگاه ۱۳ مرداد برگزار شد، فرهاد اصلانی سخنانش را به شوخی با برخی از عوامل نمایش آغاز کرد و گفت: «وقتی برای این مراسم و نواختن زنگ افتتاح با من تماس گرفته شد، بسیار خوشحال شدم. من و خسرو احمدی هم‌رفیقیم و هم چاقیم.»

رابرت جونی. جونیور

امیتا باچان

جکی چان

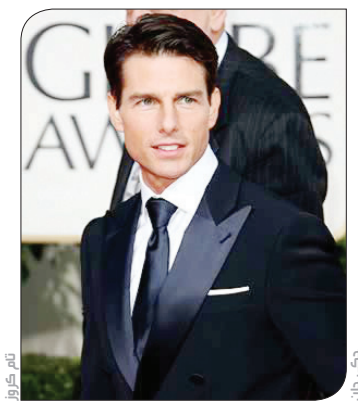

تام کروز

پولدارترین سینماگران جهان را بشناسید

رقابت هالیوود و بالیوود

گروه ادب و هنر | شاید دل‌تان بخواهد بدانید بازیگرهای جهانی چقدر دستمزد می‌گیرند و بین‌شان چه رقابتی وجود دارد و چه کسی از چه کسی بیشتر دستمزد می‌گیرد.

اگر دوست دارید باید بگوییم این رقابت بین بازیگران هالیوود و بالیوود است. اما در صدر این دستمزدها رابرت داونی جونیور یا همان «مرد آهنی» هالیوود است که مانند پارسال همچنان یکه‌تازی‌می‌کند.

مجموع دستمزد بازی در فیلم رابرت داونی جونیور در ۱۲ ماه اخیر ۸۰ میلیون دلار آمریکا بوده است. وین دیزل «خشمگین ۷» با ۴۷ میلیون دلار در جایگاه سوم قرار دارد. بردلی کوپر «تک‌تیرانداز آمریکایی» در ۱۲ ماه گذشته جمعا ۴۱/۵ میلیون دلار دریافت کرده و پس از او آدام سندلر کمدین با ۴۱ میلیون دلار در رتبه پنجم این جدول قرار دارد. در ردیف‌های بعدی هالیوود نام تام کروز دیده می‌شود که در رده ششم قرار گرفته است. او ۴۰ میلیون دلار با فیلم «ماموریت غیرممکن» درآمد داشته اشت.

اما بد اقبال‌ترین بازیگر این فهرست جانی دپ است که همچنان روند سقوط را طی می‌کند و در این لیست با ۳۰ میلیون دلار درآمد در جایگاه دوازدهم نشسته است. اما یکی از شگفتی‌های بالاترین دستمزدها، حضور یک آسیایی در این میان و در رده دوم است. جکی چان در فهرست بازیگران پولدار سال ۲۰۱۵ در رتبه دوم قرار گرفته است. او با ۵۰ میلیون دلار این مقام را به دست آورده است. بعد از این هم به سینمای هند می‌رسیم که آمیتا باچان و سلمان‌خان به‌طور برابر در جایگاه هفتم و هشتم قرار دارند و آکشای کومار هم رتبه نهم این فهرست را به خود اختصاص داده است.

آمیتا باچان و سلمان خان، هر کدام با ۳۳/۵ میلیون دلار و آکشای کومار با ۳۲/۵ میلیون دلار در این جدول قرار دارند. دواین جانسن، بازیگر عضلانی «سن آندریاس» با ۳۱/۵ میلیون دلار در مقام یازدهم، جانی دپ، لئوناردو دی‌کاپریو همراه با چنینگ تاتوم و مایک جادویی هر کدام با ۲۹ میلیون دلار در جایگاه سیزدهم و چهاردهم و کریس همزوورث مجموعه فیلم‌های «ثور» و دنیل کریگ جیمز باند هریک با ۲۷ میلیون دلار در رتبه‌های پانزدهم و شانزدهم قرار گرفته‌اند.

نقد و نظر

نگاهی به فیلم «گینس» به کارگردانی محسن تنابنده

کمدی اعوجاج و زشتی‌های جهان

بهزاد عشقی
منتقد سینما و تلویزیون

رضا عطاران در مجموعه‌های تلویزیونی خانه به دوش، تلخ و شیرین و متهم گریخت، از معمولی‌ترین و روزمره‌ای‌ترین وقایع موقعیت‌های شیرینی برای خنده‌آفرینی می‌آفرید. در این مجموعه‌ها هیچ کس کج و کوله راه نمی‌رفت، شکلک درنمی‌آورد، و اعوجاج جسمانی را به ابزار خنده بدل نمی‌کرد.

محسن تنابنده نیز در مجموعه زنجیره‌ای پایتخت در مقام طراح و بازیگردان به همین سیاق عمل کرده است. آیا تنابنده در نخستین فیلم سینمایی خود همین آثار را نمی‌توانست راهنمای عمل قرار بدهد؟ البته کمدی انواع مختلفی دارد و به قول ژان رنوار سینما همه سینما است و تمام انواع کمدی نیز می‌تواند در جای خود مطلوب باشد، مشروط بر آنکه سخیف و مبتذل نباشد و شوخی‌های ارزان و اشباع‌شده مورد استفاده قرار نگیرد. البته تنابنده فقط نمی‌خواسته است که بخنداند و فیلم گینس در ورای ظاهر مفرحش بخشی از تناقض‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی را باز می‌تاباند. فیلم داستان سه برادر را بازگو می‌کند که زیر سیطره جامعه‌ای که پول به مهم‌ترین ملاک ارزش بدل شده، رنگ می‌بازند و به بن‌بست می‌رسند.

در یک سوی این معادله، مردی به نام غنچه قرار دارد که می‌خواهد از این سه برادر در مسابقه شترمرغ سواری استفاده کند، تا نام‌شان در کتاب رکوردهای گینس ثبت شود. اما برای غنچه نام مهم نیست و ثبت در تاریخ و ماندگاری نیز اهمیتی ندارد؛ مهم تحصیل سود به هر قیمت است. در واقع این شخص از زاویه فیلم، نمادی از فرهنگ سوداگری به سیاق کاپیتالیسم غربی محسوب می‌شود. در نخستین صحنه فیلم، غنچه را می‌بینیم که به همراه دو زن شترمرغ سواری بیگ را تماشا می‌کند.

> گینس در اجرا بیشتر به شوخی‌های دم‌دستی و گاه سخیف متوسل می‌شود و به کمک اعوجاج جسمانی، اصوات ناهنجار، الفاظ مستهجن و شوخی‌های جنسی می‌کوشد مخاطب را بخنداند. البته می‌خنداند اما به چه قیمت؟

شعفی که به غنچه و همراهانش دست می‌دهد، بی‌شباهت به کنش اشراف رومی نیست که از مشاهده مرگ گلادیاتورها به وجد می‌آمدند. به یاد بیاوریم که صحنه‌ای مشابه این را در فیلم اسپارتاکوس، جایی که زن‌های همراه کراسوس، گلادیاتورهایی را برای بازی مرگ برمی‌گزیدند، دیده بودیم. در واقع غنچه به‌عنوان کسی که از راه دلالی ارتزاق می‌کند سبعیت را از اجداد باستانی‌اش به میراث برده است. اما در این سوی معادله نیز سه برادر فیلم به شیوه نهان روشانه‌تری عمل می‌کنند. از سویی با غنچه شرط می‌بندند، اما وقتی مرد دلال پول‌شان را بالا می‌کشد، از در دیگری درمی‌آیند و می‌گویند خب بله حق ما بود، شرط‌بندی گناه است. در واقع طمع‌ورزی خود را زیر نقاب اخلاق و معنویت پنهان می‌کنند. طرح این مسائل می‌تواند گوشه‌ای از تناقض‌های جامعه ما را عیان کند و به کمدی گینس ظرفیت اجتماعی و عمیقی ببخشد. البته در سینما چه گفتن به تنهایی مهم نیست بلکه چگونه گفتن از اهمیت بیشتری برخوردار است.

این مهم است که چارلی چاپلین در فیلم عصر جدید سرمایه‌داری را مورد چون و چرا قرار می‌دهد، اما مهم‌تر ساختار بی‌بدیل فیلم است که هرگز راه به کهنگی نمی‌دهد و با گذشت زمان همچنان جذابیت خود را حفظ می‌کند و مخاطب را می‌خنداند. اما گینس در اجرا بیشتر به شوخی‌های دم‌دستی و گاه سخیف متوسل می‌شود و به کمک اعوجاج جسمانی، اصوات ناهنجار، الفاظ مستهجن و شوخی‌های جنسی می‌کوشد مخاطب را بخنداند. البته می‌خنداند؛ اما به چه قیمت؟

پاسخ این است که اجرای سبک فیلم روی ارزش‌های محتوایی فیلم پرده می‌کشد و مضمون بالقوه مهم فیلم را از رونق می‌اندازد. با این همه فیلم می‌فروشد و این موفقیت در درجه نخست مرهون حضور رضا عطاران است. عطاران اکنون به ستاره بی‌بدیل فیلم‌های کمدی بدل شده است و تمام فیلم‌هایش به فروش‌های میلیاردی دست می‌یابد. اما بازی در فیلم‌های بی‌مایه می‌تواند به مرور محبوبیتش را زیر سایه قرار بدهد. در واقع ستارگان در زندگی حرفه‌ای خود با یک «ناسازه» مواجهند؛ برای حفظ محبوبیت خود باید مدام دیده شوند، اما دیده شدن در فیلم‌های بی‌مایه ممکن است باعث دلزدگی مخاطب شود. بنابراین بازیگرانی چون عطاران باید هوشیار باشند و در انتخاب‌های خود از دقت و تیزهوشی بیشتری استفاده کنند.

نشست

کاوه میرعباسی:

کمدی الهی مرا به یاد نمایشنامه‌های شکسپیر می‌اندازد

گروه ادب و هنر | انتشار ترجمه کاوه میرعباسی از «کمدی الهی» دانته یکی از اتفاق‌های قابل تامل نمایشگاه کتاب تهران امسال بود که با استقبال مخاطبان نیز روبه‌رو شد. این در حالی است که بنابر گفته کاوه میرعباسی در دومین شب از «شب‌های هنوز» که عصر سه‌شنبه ۱۳ مرداد در کتابفروشی هنوز برگزار کرد، خبر داد که از این کتاب تاکنون قریب به ۵۰ ترجمه منتشر کرده است.

میرعباسی که یکی از مترجمان سرشناس ادبیات آمریکای لاتین در ایران شناخته می‌شود، درباره علت رفتن سراغ کتابی که آن همه ترجمه شده، گفته است: «در ۱۰ سال گذشته من آثار متنوع و متعددی ترجمه کردم؛ متاسفانه این کتاب‌ها با اینکه در شمار بهترین آثار ادبی جهان به‌ویژه رئالیسم جادویی قرار می‌گیرند، اما در لیست کتاب‌های نفروش قرار گرفتند و آن‌گونه که باید دیده نشدند و برای همین در انبار نشرها خاک می‌خورند. این بار تصمیم گرفتم از ناشر پیشنهاد ترجمه بگیرم و او کتاب کمدی الهی دانته را به من معرفی کرد.»

میرعباسی درباب اهمیت «کمدی الهی» هم گفته است: «یک کتاب ایمانی است و دانته مدعی شده که اتفاقات کتاب را پشت سر گذاشته است.

کمدی الهی تاریخ سیاسی و اجتماعی زمانه مولف نیز به شمار می‌رود. او در این اثر به نوعی از کسانی که با دیدگاه‌های او مخالف بوده‌اند انتقام گرفته است و در این اثر با افرادی مواجه می‌شویم که در این دوره از سوی سایر منابع تاریخی به‌عنوان افراد خوب و تاثیرگذار یاد می‌شوند، اما چون دانته با آنها مشکل شخصی داشته، آنها را به قعر جهنم یا دوزخ فرستاده است و برعکس فردی که شاید هیچ جنبه مثبتی از نگاه عمومی نداشته در این اثر تبدیل به یک قدیس شده مثل معشوقه نخستین دانته. مثلا دانته چون با پاپ آن دوران مشکل داشته در این اثر او را مورد آماج شدیدترین انتقادها قرار داده است و تنوع زبانی که در این اثر شاهدیم گاه من را به یاد نمایشنامه‌های شکسپیر می‌انداخت.»

کافه گالری

ماکارونی با طعم صلاحی

گروه ادب و هنر | یاشار صلاحی نمایشگاهش را با عنوان «ماکارونی» از ۱۶ تا ۲۴ مرداد از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری زیرزمین دستان برگزار می‌کند. صلاحی که کاریکاتوریست و تصویرگر است دومین نمایشگاه انفرادی‌اش را برگزار کرده که می‌توان نگاه طنازانه او را به مسائل اجتماعی به خوبی دید. او درباره نمایشگاهش گفته: «آدم‌ها همیشه وول می‌خورند. به هم کار دارند. به هم می‌پیچند. به خود می‌پیچند که گره می‌خورند و اغلب گره‌شان کور می‌شود. وقتی چندتا از این کوری‌ها به چندتا کوری دیگر برخورد می‌کند کرور کرور گره ایجاد می‌شود؛ گره‌های شلوغی که بازبشو هم نیستند. اما بد هم نیست. باید با آن کنار آمد. مثل اینکه من هم سعی کردم کنار بیایم. کمی شل کردم و آنها هم سریعا خزیدند روی کاغذ. اولش آدم بودند بعد دیگر آدم نبودند. شدند شبیه ماکارونی. تنیده درهم و لای‌هم توی هم. چرب و لیز. کم‌کم چند پر شوید و مقداری ادویه به آنها اضافه کردم، شد همین بشقاب‌ها که پیش‌روی‌تان است.» این نمایشگاه در خیابان فرشته، خیابان بیدار، شماره ۶ واقع شده است.

سینما

ایزاکس باز هم رئیس اسکار شد

گروه ادب و هنر | رای‌گیری اعضای آکادمی انجام شد و شریل بون ایزاکس سومین‌باری است که ریاست یک‌ساله آکادمی اسکار را به عهده می‌گیرد. شریل بون ایزاکس اولین زن سیاه‌پوستی است که بر مسند ریاست آکادمی اسکار می‌نشیند. او پس از ۲۳ سال حضور در هیات‌مدیره آکادمی ادامه خواهد داد. همچنین کاتلین کندی، جان بیلی و بیل کروبر به‌عنوان نایب‌رئیس و فیل رابینسون در سمت دبیر آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار فعالیت خود را آغاز خواهند کرد. اعضای هیات‌مدیره آکادمی اسکار می‌توانند تا سه دوره سه ساله به صورت پیاپی در سمت خود ابقاء شوند، در حالی که دیگر اعضا، دوره‌های عضویت یک‌ساله دارند و حداکثر می‌توانند برای چهار دوره پیاپی در سمت خود انتخاب شوند.

سینما

کلاغ سه‌چشم وارد می‌شود

گروه ادب و هنر | مکس فون سیدو بازیگر موردعلاقه اینگمار برگمان است و همین امر او را ویژه می‌کند. او قرار است به جمع بازیگران فصل ششم سریال «بازی تاج و تخت» بپیوندد و در این سریال پرطرفدار بازی کند. او جلوی دوربین این سریال رفته و بازی هم کرده و در نقش کلاغ سه‌چشم ظاهر شده است. سازندگان این سریال در قسمت‌های قبل زیاد به این شخصیت ارجاع داده‌اند و حالا در این فصل او ظاهر می‌شود. شاید نقش او طولانی نباشد اما قطعا یکی از نقش‌های تاثیرگذار و به‌یادماندنی این سریال خواهد بود. قرار است این سریال تا فصل هشتم ادامه پیدا کند.